**کتاب ایوب
جلسه هفدهم: نتیجه‌گیری مجموعه گفتگوها،**

**فصل ۲۸ حکمت میان‌پرده**

**نوشته جان والتون**

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۱۷، نتیجه‌گیری از مجموعه گفتگوها، میان‌پرده خرد، فصل ۲۸ است.

**نقد و بررسی [۰۰:۲۵-۱:۵۴]**

حالا می‌خواهیم درباره این فصل میان‌پرده، سرود خرد در فصل ۲۸، صحبت کنیم، اما بیایید کمی مرور کنیم که این فصل ما را به کجا رسانده تا بتوانیم جهت‌گیری‌هایمان را در آن بررسی کنیم. بخش گفتگو کامل شده است. ایوب با دوستانش صحبت کرده است. آن گفتگو تمام شده است. ایوب با چشم‌انداز مزایای جدید اغوا نشده است. اگرچه این فشار بوده است، اما اساساً به این نتیجه رسیده است که سیستمی که به عنوان اصل انتقام شناخته می‌شود، شکسته شده است. این بخش دوم گفتگوها بود. او از پذیرفتن خطا به عنوان علت فاجعه‌اش خودداری کرده است. این بخش سوم، چرخه سوم گفتگوها بود.

او ثابت کرده است که عدالتش مبتنی بر انتظار پاداش نیست و با این کار، به عنوان شاهد برجسته برای دفاع از سیاست‌های خدا به خوبی عمل کرده است. او نشان داده است که چیزی به عنوان عدالت بی‌غرض وجود دارد. بنابراین، ادعای چالشگر مبنی بر اینکه سیاست خدا در پاداش دادن به افراد صالح نتیجه‌ی معکوس و حتی خرابکارانه داشته است، کنار گذاشته شده است. دوستانی که نماینده‌ی پرونده‌ی چالشگر بودند، ساکت شده بودند - پرونده مختومه اعلام شد.

**سرود حکمت (ایوب ۲۸) – وقفه راوی [۱:۵۴-۲:۴۷]**

اما اکنون ما از میان‌پرده خرد به بخش گفتمان منتقل می‌شویم. فصل ۲۸، همانطور که در مورد ساختار کتاب صحبت کردیم، در واقع گوینده متفاوتی را معرفی نمی‌کند. بنابراین، به راحتی می‌توان نتیجه گرفت که ایوب به نوعی به صحبت کردن ادامه می‌دهد. همانطور که در آن بخش اشاره کردم، مشکل این است که چیزهایی که در فصل ۲۸ گفته می‌شود، به هیچ وجه منعکس کننده دیدگاه‌های واقعی ایوب که قبل یا بعد از آن بیان شده است، نیست. بنابراین، من به این به عنوان کار راوی نگاه می‌کنم که به نوعی وقفه ایجاد می‌کند و ما را به شیوه تفکر متفاوتی منتقل می‌کند.

**ساختار ایوب ۲۸، سرود حکمت [۲:۴۷-۳:۴۶]**

بنابراین، آیات ۱ تا ۱۱ فصل ۲۸ از مثال معدن استفاده می‌کند. نکته اصلی این مثال این است که معدن، چیزهای پنهان را آشکار می‌کند. در آیات ۱۲ تا ۱۹، تعدادی سوال بلاغی در مورد حکمت وجود دارد. گفته می‌شود که حکمت برای انسان‌ها غیرقابل دسترس است، اما فراتر از ارزش و فراتر از تلاش و نبوغ انسان است. نشانه‌های متعددی از چیستی این موضوع وجود دارد. حال این یک بحث کیهانی است و نشانه‌های متعددی از آن وجود دارد. سپس بخش پایانی فصل ۲۸، آیات ۲۰ تا ۲۸، خداوند راهی برای حکمت فراهم می‌کند و ترس از خدا پایه و اساس حکمت است.

**ایوب ۲۸: حکمت و نظم، نکست [۳:۴۶-۵:۰۲]**

خب، برخی از نکاتی که مطرح می‌شود چیست؟ اول از همه، حکمت را نمی‌توان در آیه ۲۸:۱۲ یافت، اما از خدایی می‌آید که در آیه ۲۸:۲۰ آمده است. بنابراین، این آیه با جستجو و تلاش برای یافتن آن از منبع، در تضاد است. خدا کسی است که آن را می‌دهد. حکمت در نظم اجزای کیهان یافت می‌شود. باز هم، در اینجا ارتباط مهمی بین حکمت و نظم پیدا می‌کنیم. این در سراسر کتاب مقدس صادق است. حکمت زمانی یافت می‌شود که کسی به دنبال نظم و درک نظم و تمرین آن باشد. یک دنیای منظم، زندگی منظم و جامعه منظم، همگی از دستاوردهای حکمت هستند. بنابراین، حکمت در نظم اجزای کیهان یافت می‌شود. در ادامه می‌گوید که نظم به راحتی در عملیات روزانه قابل مشاهده نیست، اما در بنیان خلقت نقش اساسی داشته و در عملیات جاری ذاتی است.

**تمرکز دوستان بر عدالت، تمرکز خدا بر خرد [5:02-7:01]**

ایوب و دوستانش فکر می‌کنند که می‌دانند کیهان چگونه نظم یافته است. اصل انتقام، نظریه عملیاتی آنهاست. در این معادله، صالحان کامیاب می‌شوند؛ شریران رنج می‌برند؛ از نظر آنها، جهان اینگونه نظم یافته است. اما، البته، اینطور نیست. ایوب و دوستانش حکمت واقعی را نیافته‌اند. وقتی به آیه ۲۷ نگاه می‌کنیم، "سپس [خدا] به حکمت نگریست و آن را ارزیابی کرد. آن را تأیید کرد و آزمود." در اینجا خدا خلقت را با معیار حکمت تأیید می‌کند، نه با معیار عدالت. وقتی ایوب و دوستانش سعی کردند اصل انتقام را پایه نظم قرار دهند، عدالت را پایه نظم در کیهان قرار می‌دادند. این عبارت از جانب خدا، این را برعکس می‌کند و می‌گوید: "نه، پایه عدالت نیست." او به حکمت نگریست و آن را ارزیابی کرد، آن را تأیید کرد، آن را آزمایش کرد و خلقت را با معیار حکمت تأیید کرد. بنابراین، این دیدگاه کمی متفاوت است. نشان داده شده است که معادله‌ای که ایوب و دوستانش استفاده کرده‌اند، ناکافی است.

قهرمانانی که تاکنون ملاقات کرده‌ایم، دوستان ایوب، همگی به عنوان خردمندترین افراد جهان شناخته می‌شوند. اما وقتی به دیالوگ‌ها و سخنان آنها فکر می‌کنیم، ترس از خداوند به طور برجسته در نظرات آنها دیده نمی‌شود. و این همان چیزی است که کتاب بر آن تمرکز دارد.

**ایوب ۲۸:۱۸ ترس از خداوند حکمت است [۷:۰۱-۷:۲۶]**

آیه ۲۸ از نظر نحوه‌ی شروع جالب است. این یک دستورالعمل برای نوع بشر، *آدم، است* . وقتی آن را می‌خوانیم: «و به نسل بشر گفت،» این ترجمه‌ی جدید است. «او به نسل بشر گفت، [یعنی *آدم* ] ترس از خداوند - این حکمت است، و اجتناب از بدی که فهم است.»

**ترس از خداوند با [آیات 7:26-8:49] در تضاد است.**

حال، این ایده‌ی ترس از خدا را می‌توانیم با فکر کردن به اینکه در مقابل چه چیزی قرار می‌گیرد، به خوبی درک کنیم. ترس از خدا در مقابل این است که او را جدا و بنابراین نادیده بگیریم. ترس از خدا در مقابل این است که او را ناتوان و بنابراین با تحقیر با او رفتار کنیم. ترس از خدا در مقابل این است که او را محدود یا ناتوان و بنابراین مورد تحقیر قرار دهیم. ترس از خدا در مقابل این است که او را فاسد و بنابراین باید نصیحت شود. ترس از خدا در مقابل این است که او را کوته‌بین و بنابراین باید نصیحت شود. ترس از خدا در مقابل این است که او را کوچک و بنابراین باید مورد خشم قرار گیرد.

ترس از خدا یعنی خدا را جدی گرفتن؛ ما باید این کار را انجام دهیم تا مبادا در دام‌های دیگری بیفتیم که او را کمتر از خدا بدانیم.

**ترس از خداوند [خداوند، آقا] [۸:۴۹-۱۱:۲۸]**

حالا جالب است که وقتی این آیه در مورد ترس از خدا صحبت می‌کند، در مورد ترس از آدونای صحبت می‌کند، نه ترس از یهوه. این یک انتخاب واقعاً جالب است. این ترس از الوهیم نیست؛ بلکه ترس از آدونای است. این تنها مورد استفاده از آدونای در کتاب است. آدونای در زبان عبری می‌تواند فقط برای اشاره به یک شخصیت صاحب قدرت، چه یک انسان باشد و چه خدا، استفاده شود. اغلب به عنوان عنوانی برای یهوه استفاده می‌شود، اما اغلب در ارتباط با خود یهوه به کار می‌رود. بنابراین، اینجا بسیار جالب است. ما نه از شدای می‌ترسیم، نه از الوهیم، نه از یهوه، بلکه از آدونای می‌ترسیم.

این همچنین از زبان خدا بیان شده است. این خداست که صحبت می‌کند. «او به نسل بشر گفت، ترس از آدونای، این حکمت است.» بنابراین، این خود خداست که اینگونه صحبت می‌کند. در هیچ جای دیگر عهد عتیق، خدا خود را صرفاً با عنوان آدونای، بدون هیچ برچسب دیگری که به آن مرتبط باشد، خطاب نمی‌کند. بنابراین، این یک انتخاب کلمات واقعاً جالب است. این بخشی از کاری است که ما هنگام تجزیه و تحلیل متون انجام می‌دهیم. ما فرض می‌کنیم که انتخاب کلمات معنادار، عمدی و هدفمند است، بنابراین، آنها را با دقت بررسی می‌کنیم.

حالا، دوباره، آدونای مسئله‌ی اقتدار را مطرح می‌کند. این مفهوم، حس پروردگار یا ارباب را دارد. و عنصر تسلیم در برابر اقتدار را مطرح می‌کند. این چیزی است که در این زمینه بسیار مورد نیاز است، تسلیم شدن در برابر این خدا، با ترس از او. بنابراین، برخلاف گفته‌ی مشابه در امثال که در آن «ترس از خداوند آغاز حکمت است». در اینجا، «ترس از آدونای حکمت است». اعتماد به خدا به عنوان راه رسیدن به حکمت، عاقلانه است. شکل معلوم با حرف تعریف معلوم هم در آیات ۱۲ و هم در آیات ۲۰ استفاده شده است - «حکمت».

ترس از خداوند در نهایت با یک توصیه اخلاقی «اجتناب از شر» همراه است. این با رعایت آیین‌ها همراه نیست. بنابراین، باز هم، این چیزی است که باید از آن آگاه باشیم.

**نقش بلاغی سرود حکمت در ایوب ۲۸ [۱۱:۲۸-۱۳:۰۸]**

بنابراین، نقش بلاغی فصل ۲۸ چیست؟ اول از همه، ما را از دیالوگ‌ها به گفتمان‌ها منتقل می‌کند. بنابراین، این فصل نقشی نسبتاً مکانیکی دارد. دوم، از ادعای چالشگر که آوردن رفاه به افراد صالح ایده خوبی نیست، به ادعای ایوب که سیاست خوبی برای رنج کشیدن افراد صالح نیست، منتقل می‌شود و بخش دوم کتاب به بررسی ادعای ایوب خواهد پرداخت.

سوم اینکه، این کتاب را از جستجوی عدالت به منبع حکمت و درک اهمیت حکمت در این معادله تغییر می‌دهد. ایوب و دوستانش حکمت را از این معادله کنار گذاشته‌اند. از نظر آنها، نظم، همه چیز در مورد عدالت بوده است، اما اکنون به سمت حکمت تغییر جهت می‌دهد.

چهارم، ایوب نشان داده است که برخلاف گمان چالشگر، از عدالت بی‌غرضانه‌ای برخوردار است. و بنابراین، اکنون آماده‌ایم تا به بحث بعدی بپردازیم. کتاب هنوز به چالش ایوب نپرداخته است. بنابراین، سوالی که اکنون مطرح است، همانطور که به بخش بعدی، مرتبط با چالش ایوب، می‌رویم، این است: آیا وقتی افراد صالح رنج می‌کشند، آیا می‌توان انسجامی داشت؟ این، باز هم، در تضاد با ادعای چالشگر است که در آن سوال در مورد عدالت بی‌غرضانه بود.

**آیا با رنج کشیدنِ پارسایان همخوانی دارد؟ [۱۳:۰۸-۱۳:۵۰]**

آیا در اینجا، وقتی افراد صالح رنج می‌کشند، آیا انسجامی وجود دارد؟ این نکته نشان می‌دهد که ایوب در موقعیت کنترل نیست و انتظار او نباید جهتی را که اوضاع در آن پیش می‌رود، تعیین کند. حکمت خدا حکم می‌کند. این نکته نشان می‌دهد که برداشت دوستان از انسجام، ناقص و ساده‌انگارانه است. پیروی از توصیه دوست، به دنیای ایوب انسجام نمی‌بخشید. بنابراین، حکمت را باید به عنوان چیزی که نظم و انسجام می‌آورد، درک کرد.

**خدا به عنوان منبع/مولف حکمت/نظم [۱۳:۵۰-۱۵:۰۶]**

خدا خالق نظم و پایه و اساس انسجام است، اما نمی‌توان از خود خدا به تنهایی به عنوان موجودی منسجم یا منظم صحبت کرد. خدا هنگام خلقت، حکمت را به کار می‌گرفت، اما گفتن اینکه خدا حکیم است، ذات خدا را دست کم می‌گیرد. درست همانطور که در ابتدای این دوره اشاره کردیم، این ایده که خدا به نوعی او را وابسته به معیارهای بیرونی جلوه می‌دهد. اینجا هم همینطور است. مطمئناً، خدا حکیمانه عمل می‌کند. خدا منبع حکمت است. این مهمترین ارتباط است. خدا منبع عدالت است و خدا منبع حکمت است.

بنابراین، عباراتی مانند «خدا حکیم است»، یا «خدا نیک است»، یا «خدا مقدس است» گمراه‌کننده هستند، زیرا خود این صفات در واقع تعریف خود را در خدا می‌یابند. می‌توان گفت که خدا خداست. هر خردی که ممکن است بیابیم، پایه‌هایش در اوست. این شعر نمی‌گوید که خدا خرد است یا اینکه او خرد دارد.

**ترسی که در اعتماد ابراز می‌شود [۱۵:۰۶-۱۶:۰۵]**

ما ترس خود را از خداوند ابراز می‌کنیم وقتی که به او اعتماد می‌کنیم، در شرایط هر چقدر هم که ناراحت‌کننده یا گیج‌کننده باشد. ما به اندازه کافی به او اعتماد داریم که بپذیریم نیازی به توضیح نیست. ما به ذات عادلانه او اعتماد داریم که غیرقابل انکار است. حتی اگر هیچ عدالت قابل تشخیصی در شرایطی که در آن هستیم وجود نداشته باشد. ما اعتماد داریم که او سیستم را به بهترین شکل، یعنی عاقلانه‌ترین شکل ممکن، برقرار کرده است. حتی وقتی که ما از عواقب سیستمی که توسط سقوط شکسته شده است رنج می‌بریم، به عشق او به خودمان اعتماد داریم. ما اعتماد داریم که حتی در مشکلاتمان، او می‌تواند عشق خود را نشان دهد و ما را از طریق آزمایش‌ها تقویت کند.

**نتیجه‌گیری در مورد اهمیت سرود حکمت ایوب ۲۸ [۱۶:۰۵-۱۶:۴۴]**

فصل ۲۸ یکی از فصل‌های کلیدی کتاب است. ما باید با دقت به آن توجه کنیم تا پیام آن را دریافت کنیم. بنابراین، این فصل نقشی ساختاری و بنابراین نقشی بلاغی دارد، اما همچنین نقش مهمی در پیام الهیاتی که کتاب باید ارائه دهد، دارد، زیرا به ما کمک می‌کند تا در مورد خدا به شیوه‌های صحیح در رابطه با جهان فکر کنیم.

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۱۷، نتیجه‌گیری از مجموعه گفتگوها، میان‌پرده خرد، فصل ۲۸ است. [۱۶:۴۴]